

SCAN QR CODE



دستور زبان فارسی

شاهین شاهین زاد

کنکور ۱۴۰۰

ارضدای سخن عشق بی بندم و سر بی مادکاری که در آن کبر دواز ماند

فهرست

شماره صفحه		مبحث
صفحه ۱	-----	نقش واژگان
صفحه ۶	-----	شیوهی بلاغی
صفحه ۷	-----	انواع را
صفحه ۸	-----	نقش‌های تبعی
صفحه ۱۰	-----	حذف فعل و انواع آن
صفحه ۱۲	-----	گروه اسمی
صفحه ۱۳	-----	ترکیب وصفی و اضافی
صفحه ۱۶	-----	وابسته‌های پیشین و پسین
صفحه ۱۹	-----	وابسته‌های وابسته
صفحه ۲۴	-----	جملات ساده و مرکب (غیر ساده)
صفحه ۲۶	-----	فعل
صفحه ۲۸	-----	اجزای اصلی جمله
صفحه ۳۱	-----	انواع
صفحه ۳۳	-----	حاشیه‌ها
صفحه ۳۵	-----	تست ترکیبی

۱) نقش واژگان

← **نهاد:** یا (و گاهی جمع) + فعل

«دلا بسوز و به جان برفروز آتش عشق کزین چراغ تو دودی به چشم کس نرود»

توجه ۱: گاه «نهاد جدا» است. } مستتر
بروز به صورت

توجه ۲: فور نقش مستقلی است که نباید «نهاد» محسوب شود.

← **مفعول:** یا (و گاهی جمع) + فعل

«هیچ دانی از چه باشد قیمت آزاده مرد؟! گاه / گاه خود یک

«چشم خود بستم که دیگر چشم مستش ننگرم گاه به شکل

«سپند از گرمی خاکستر پروانه می سوزد ز روی آتشین شمع این محفل چه می پرسی؟»
«عقلم می سوزد اما نیستم بی یاد او در میان خنده گاهی گریه ها سر می کنم»
گاه است و باید با توجه به معنایش در جمله، به نتیجه رسید.

از / به / باد / در / بر / تا (مقصد زمان و مکان) / (در معنای از)
← **متمم:** آنچه بعد از
ادات تشبیه:، و
برای / بدون / به جای / درباره و ...

«من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن که پیش طایفه ای مرگ به که بیماری»

← **مسند:** یا + فعل
اسنادی: است (هست) بود / شد / گشت / گردید
مفعول و مسندی (و گاه متمم و مسندی)

«حیله کرد انسان و حیله اش دام بود آنکه کف را دید، نیت ها کند»
«آنکه کرد انسان و حیله اش دام بود و آنکه دریا دید، دل دریا کند»

توجه ۱:

هست (است)، نیست، بود = و داشتن
 شد =
 گشت و گردید ≠

توکبایی (کبا) تا شوم من پاکرت
 همی رفش، رفشان سوی فانه شد
 بس بگردید و بگردد روزگار
 «اسنادی»

توجه ۲: افعال اسنادی دارند که با ظاهری متفاوت معنی و دارند و «مسند» می‌فروشند.
 نامیده می‌شود:
 به حساب بیاید:
 فوانده می‌شود:
 به شمار فوشند آمد:

← **قید:** افزودنی توضیحی به جملات (زمان ← اکنون و دیشب و ... / تأکید ← بس و و ... / حالت ← خندان و کم‌کم / همه تنوین دارها)

توجه ۱: مرز قید و مسند: «.....» + فعل = گروه x
 قابل حذف از جمله ←
 غیر قابل حذف از جمله ←

«در دلالت همچو آبنند و درخت
 تجربه و تعلیم، بیش و کم کند»
 چون به ماهیت روی دورند سخت»
 تا یکی را از یکی اعلم کند»

توجه ۲: مرز قید و صفت
 حالت دار (—)
 حالت بی

«ازان خوردن زهر با کس نگفت
 دود آه سینه نالان من»
 یکی جامه افگند و نالان بغفت»
 سوخت این افسردگان خام را»

توجه ۱: **نکته:** طرح سوال نقش از «..... پرسشی» گاه بی معنی و مبهم است، می‌توانیم در صورت بر فور با چنین مواردی با واژه‌ای ، نقش را بیایم.

«بدانی که پیکار مردان مرد
 چگونه بود روز جنگ و نبرد»
 ←

«چگونه نباشیم امروز شاد
 که داماد باشد نیرره قباد»
 ←

«بانگ زد یارش که برد در کی است آن گفت بر در هم تویی ای دلستان»

..... ←

«چون که گل بگذشت و گلشن شد خراب بوی گل را از که یابیم از گلاب!؟»

..... ←

با نشانه‌ی ندا: آی، ای، یا، ا

← **منادا:**

بدون نشانه: با توجه به آهنگ خواندن مشخص می‌شود.

← آی آدم‌ها، که بر ساحل نشسته ، شاد و خندانید ← ای برادر، تو همه اندیشه‌ای
با نشانه }
← یا ربّ مکن از لطف پریشان ما را ← حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش

← دوست خوبم ، قدردان بودن‌های بی دریغت هستم ← بی نشانه

← سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی ...

← ای یاد تو مونس روانم

نکته ۲: ضمائر می‌توانند نقش‌های **مفعول**، **متمّم** و **مضاف‌الیه** داشته باشند؛ برای تشخیص درست آنان فصوصاً در اشعار، باید ضمیر را به ترین شکل ممکن نماییم.

پس جوابم گوی و آنگه می‌زنم»



..... ←

«گفت سیلی زن: سـوالـت می‌کنم»



..... ←

ماش گردانیم گرد چشم‌ها»



..... ←

«امتحان است این گهر، مرخلاق را

دلش را به دانش برافروختند»



..... ←

«نبشتن به خسرو پیاموختند»

«نکته ۳ (مادر بزرگ): نقش نماها (را، هروف اضافه و ـ) با کار دارند، پس دقت کنیم که وابسته‌های پیشین و پسین را کنار بزنید. «غذای فوشمزه‌ی مادر بزرگ را فوردم»»

«با این همه مهر و مهربانی دل می‌دهدت که خشم رانی»

«ای غنچه‌ی خندان به حیا باش که شبم

«صدق، بیداری هر حس می‌شود حس‌ها را ذوق، مونس می‌شود»

سراسری ۹۳

۱- نقش ضمیر متصل «م» در پایان واژه‌های قافیه، در کدام بیت تفاوت دارد؟

- (۱) همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود
(۲) بی خود از شعله‌ی پرتو ذاتم کردند
(۳) بعد از این روی من و آینه‌ی وصف جمال
(۴) من اگر کام‌روا گشتم و خوشدل چه عجب
- که زیند غم ایام نجاتم دادند
باده از جام تجلی صفاتم دادند
که در آن جا خبر از جلوه‌ی ذاتم دادند
مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند

(سراسری ریاضی ۹۲)

۲- نقش‌های اصلی و تبعی واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب کدام است؟

- «چرا غم دگران می‌کند پریشانم اگر نه رشته‌ی جان‌ها به یک دیگر بسته‌ست؟»
(۱) مفعول، قید، مفعول، نهاد
(۲) نهاد، مسند، مفعول، نهاد
(۳) مضاف‌الیه، مسند، نهاد، فعل
(۴) نهاد، قید، مفعول، مفعول

سراسری ۹۸

۳- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

- «گر نسازد یوسفی هر روز گردون جلوه‌گر تا قیامت خلق را آن حسن روز افزون بس است»
(۱) مفعول، مسند، قید، مفعول
(۲) مفعول، نهاد، قید، متمم
(۳) مفعول، نهاد، مسند، متمم
(۴) نهاد، مفعول، مسند، مفعول

سراسری ۹۸

۴- نقش ضمائر متصل مشخص شده، در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

- «چو آیامت که ببینم مرا ز کوی برانی چو خواهمت که در آیم درم به روی ببندی»
(۱) نهاد، متمم، مفعول
(۲) نهاد، مفعول، مضاف‌الیه
(۳) مفعول، متمم، مضاف‌الیه
(۴) مفعول، مضاف‌الیه، مفعول

سراسری ۹۸

۵- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

- «سخن‌چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیک مرد سلیم»
(۱) نهاد، مسند، متمم، مفعول
(۲) مسند، قید، مفعول، نهاد
(۳) مسند، قید، نهاد، مفعول
(۴) نهاد، مسند، مفعول، مفعول

سراسری ۹۸

۶- اگر نقش واژه‌های قافیه: متممی، مفعولی، مسندی و اضافی باشد، ترتیب ابیات در کدام گزینه درست است؟

- الف) در لباس دشمنی کردند با ما دوستی
 ب) گریه ز ندانی افلاک از هم نگسلد
 ج) غافلند از دستگاه مور قانع زیر خاک
 د) وه چه صیادی که از سهم تو شیران جهان
- ۱) ب، د، الف، ج ۲) د، ج، الف، ب
 ۳) ب، الف، ج، د ۴) الف، د، ب، ج

سراسری ۹۸

۷- نقش واژه‌های مشخص شده د بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

- «راز همه کرد افشا، نتموده رخ زیبا»
 ۱) قید، نهاد، مضاف‌الیه، مسند
 ۲) بدل، مفعول، مضاف‌الیه، مسند
 ۳) مضاف‌الیه، مسند، مفعول، مسند
 ۴) مضاف‌الیه، مفعول، مفعول، نهاد

۲) شیوهی بلاغی

بر هم خوردن «شیوه عادی» جملات + جهش ضمیر

اول نهاد - آخر

«گداخت جان که شود کار در دل ما تمام و نشد»

«از خرگه تن تو جهانی منور است تا تو چگونه باشی ای روح خرگهی»

«من مست می عشقم، هشیار نخواهم شد از خواب خوش مستی بیدار نخواهم شد»

«از آن تییره دل، مرد صافی درون قفا خورد و سر بر نکرد از سکون»

👈 **توجه ۱:** در صورت وجود در بیت باید آن را هنگام کردن در ابتدای جمله قرار دارد.

👈 **توجه ۲:** ممکن است فعلی «به تنهایی» یک جمله باشد و در ابتدای مصرع‌ها بیاید و مشمول شیوهی بلاغی نشود.

«بیا بر چشم ما بنشین که خوش آب روان بینی دمی از خود بیاسایی سر آبی چنان بینی»

👈 **توجه ۳:** در جملات عادی نزدیک‌ترین نقش به فعل است.

👈 **جهش ضمیر:** گاه به اقتضای وزن شعری یا بلاغت نثر، «ضمیر پیوسته» در جایگاه اصلی خود قرار نمی‌گیرد؛ باید با

جابه‌جایی آن، کلامان به نظم امروزی قدمی نزدیک گردد. (باید بعد از جابه‌جایی درست را بررسی کنیم)

ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت گم گشت در تو دو جهان از که جویمت: نقش =

وجه خدا اگر شودت منظر نظر: نقش = یکم روز بر بنده‌ای دل بسوخت: نقش =

من این دلق مرقع را بخوام سوختن روزی که پیر می‌فروشانش به جامی بر نمی‌گیرد: نقش =

سراسری ۹۸

۸- در کدام بیت، شیوه بلاغی به کار نرفته است؟

تو چنان در دل من رفته که جان در بدنی
ور جوابم ندهی میرسدت کبر و منی
باغبان بیند و گوید که تو سرو چمنی
تا به کی تکیه به سر پنجه پُر زور کنی

۱) دیگران چون بروند از نظر از دل بروند
۲) بنده‌وارت به سلام آیم و خدمت بکنم
۳) تو بدین نعت و صفت گر بخرامی در باغ
۴) رستم از سیلی تقدیر به خاک افتاده است

۳) انواع را

الف) مفعولی

- ب) فک اضافه: جابه‌جاکننده یک ترکیب (مضاف‌الیه و مضاف‌الیه)
 راهکار شناخت آن تلاش برای کردن جمله و رسیدن به ترکیب امروزی است.
 - فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم:
 - بلبان را از حدیث گل ، دهان پر گل شود:
 - حق قیامت را لقب، زان روز کرد / روز بنماید جمال سرخ و زرد:

ج) حرف اضافه: در متون گذاشته را قابل تبدیل به برخی از حروف اضافه بوده است:

- ز دست رفتن دیوانه، عاقلان دانند
 - شبی و شمعی و جمعی چه خوش بود تا روز
 - آتش بیاد و خرمن آزادگان بسوز
 - که احتمال (تحمل) نماندست ناشکیبا را :
 - نظر به روی تو، کوری چشم اعدا (دشمنان) را :
 - تا پادشاه خراج نخواهد خراب را :

تمرین

- باور که کند که آدمی را
 - شب فراق نخواهم دواج (لحاف) دیبا را
 - از سر زلف عروسان چمن دست بدارد
 - هیچ مانند آب، آن فرزند را
 - خورشید برآید از گریبان:
 - که شب دراز بود خوابگاه تنها را: و
 - به سر زلف تو گردست رسد باد صبا را:
 - هیچ ماند نیشکر، آن قند را: و

سراسری ۹۳

- ۹- در همی ادبیات به استثنای بیت جای مضاف و مضاف‌الیه عوض شده است.
 ۱) کشور تدبیر را زیر و زیر سازد قضا
 ۲) غفلت ما را سبب عمر سبک جولان شده است
 ۳) جان غافل را سفر در چار دیوار تن است
 ۴) طفل طبعان را دل از بهر تماشای می‌دود
 ورنه در ملک رضا نوشیروان عادل است
 خواب ما را این صدای آب سنگین کرده است
 پای خواب آلوده را منزل کنار دامن است
 خوبه عزلت کرده از سیر و تماشا فارغ است

سراسری ۹۸

- ۱۰- کاربرد «را» در کدام بیت، با سایر ابیات تفاوت دارد؟
 ۱) گر تشنگان بادیه را جان به لب رسید
 ۲) باد بر بوی نسیم زلف سنبل در ختن
 ۳) گلدسته امید، بر جان عاشقان نه
 ۴) ماه روزه است و مرا شربت هجران روزی
 تو خفته در کجاوه به خواب خوش اندری
 نافه را چندان دهد دم تا جگر پر خون کند
 تا رهروان غم را، خار از قدم برآید
 روز توبه است و تو را نرگس جادو سرمست

سراسری ۹۸

- ۱۱- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، کدام است؟
 «در هوای گل روی تو بود خواجو را»
 ۱) مضاف‌الیه، مفعول، مسند، نهاد
 ۲) مضاف‌الیه، مضاف‌الیه، مسند، نهاد
 ۳) مضاف‌الیه، مفعول، نهاد، مسند
 ۴) متمم، مضاف‌الیه، نهاد، مسند
 هم نفس بلبل شب‌خیز خوش‌الحان همه شب»

۴) نقش‌های تبعی

گروه‌هایی که نقش اصلی ذکر شده، هستند.

الف) **معطوف:** گروهی که پس از حروف عطف و می‌آید.

- جام می و خون دل هر یک به کسی دادند در دایرهٔ قسمت اوضاع چنین باشد
- هر خشت که بر کنگره‌ی ایوانی است انگشت وزیر یا سر سلطانی است
- چند است ز تو تا جان؟ تو طرفه تری یا جان؟ آمیخته‌ای با جان یا پرتو جانانی
- برخیز و به‌زه کن آن کمان را ماییم کمان و بساده چون زه
- همه زیر و زبر ز تو همگان بی‌خبر ز تو چه غریب است نظر به تو چه خوش است انتظار تو

توجه ۱: حروف عطف را با اشتباه نگیریم آن‌ها بین دو می‌آیند.

توجه ۲: اطراف «و»

..... فعل باشد ۱۰۰٪ عطف نیست؛ و / و
 غیر قابل ← عطف نیست؛ و - و
 قابل ← عطف است؛ و - و

الف) **بدل:** گروهی که به قصد یا با بعد از یک گروه اسمی می‌آید.

- ابوالقاسم آن شاه پیروز بخت نهاد از بر تاج خورشید تخت
- ای تو خورشید به پا خیز که با چشمانت قفل صد صبح دل‌انگیز خدا باز شود
- صدای مهربان مرگ پیچیده‌ها است در گوشم من آن آتش‌ترین پیش‌ترها رو به پایانم
- جان گرگان و سگان هر یک جداست متحد جان‌های شیران خداست
- گفتشان و نفسشان و نقششان جمله جان مطلق آمد بی‌نشان
- او را خود التفات نبودی به صید من من خویشتن اسیر کمندنظر شدم
- چون بیارایند روز حشر تخت خود شفیع ما تویی آن روز سخت
- من ز دست تو خویشتن بکشم تا تو دستم به خون نیالایی
- عهد ما با لب شیرین‌دهنان بست خدا ما همه بنده و این قوم خداوندانند

توجه ۱: هم مثل «بدل» توضیح می‌دهد ولی نقشی مستقل است و نباید آن را تبعی به حساب آوریم.

توجه ۲: «بدل» گاه از نوع است که شاید وضوح بدل‌های دیگر را نداشته باشد.

توجه ۳: ضمائر مشترک و هم‌پنین ضمائر مبهم و «گاه به قصد» بدل می‌شود.

ج) تکرار: ذکر بیش از واژه‌ای با همان در جمله به قصد

- | | |
|--------------------------------|------------------------------------|
| - ناریان مَر ناریان را جاذبند | - ناریان مَر ناریان را طالبند |
| - از برون، آوازشان آید ز دین | - که ره رستن تو را این است این |
| - می‌نماید نور، نار و نار، نور | - ورنه دنیا کی بدی دارالغرور؟ |
| - وارheidند از جهان پیچ پیچ | - کسی نگرید بر فوات (مرگ) هیچ، هیچ |
| - این همه گفتیم لیک اندر بسیچ | - بی عنایت خدا هیچیم هیچ |

۱۲- در کدام بیت، نقش تبعی وجود ندارد؟

سراسری ۹۴

- | | |
|---|------------------------------------|
| ۱) دل اگر بار کشد بار نگاری باری | سر اگر کشته شود بر سر کاری باری |
| ۲) جمال عارض خورشید و حسن قامت سرو | تو را رسد که چو دعوی کنی بیان داری |
| ۳) بدین روش که تو طاووس می‌کنی رفتار | نه برج من که همه عالم آشیان داری |
| ۴) بدین صفت که تویی دل چه جای خدمت توست | که با چنین صنمی دست در میان داری |

۱۳- کدام بیت فاقد نقش تبعی است؟

سراسری ۹۵

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) لاف زب لاف که تو راست کنی لاف مرا | ناز کنم که من در نظرت معتبرم |
| ۲) شایاش زهی نوری بر کوری هر کوری | کو روی نپوشاند زان پس که برآرد سر |
| ۳) آسمان خود کنون ز من خیره است | که چرا این زبون نمی‌خسبد |
| ۴) بر زمین و چرخ روید مر تو را یاران صاف | لیک عهدی کرده‌ای با یار پیشین یاد دار |

۱۴- کدام بیت، فاقد «نقش تبعی» است؟

هنر ۹۷

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) بنده حلقه به گوش از نوازی برود | لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش |
| ۲) تا خود نوشته باز نشویی به اشک شوق | گو تا سواد دیده مداد آورد تو را |
| ۳) تو خود ای شب جدایی چه شبی بدین درازی | بگذر که جان سعدی بگداخت از نهیب |
| ۴) قبیله‌ها همه عاشق شوند با تو ولی | قبیله‌ای است که مجنون شوند لایلا را |

۱۵- نقش کلمات مشخص شده به ترتیب در همه‌ی ابیات به جز بیت کاملاً درست است.

سراسری ۹۳

- | | |
|--|---|
| ۱) نیک، بیش از بد، حجاب راه بینایان شود | زحمت گل بیش‌تر از خار باشد دیده را
(بدل، مسند) |
| ۲) طالبان و سالکان در راه تو | جمله همچون چاکرند و شاه تو
(نهاد، بدل) |
| ۳) تو کز خلوت نداری بهره خرج انجمن‌ها شو | که باشد در صدف چون گوهر سیراب عیش ما
(مفعول، متمم) |
| ۴) گردش پرگار ما را حلقه‌ی مویی بس است | مرکز سرگشتگی‌ها خال دل‌جویی بس است
(نهاد، مضاف‌الیه) |

(۵) حذف فعل و انواع آن

گاهی به دلیل وضوح و گاه به دلیل تکرار در جمله‌ی مربوط، گوینده فعل را حذف می‌نماید.

← راهکار یافتن درست حذف فعل = صحیح

معادل آن در جمله‌ی مربوط وجود دارد ←
با توجه به خودمان آن را یافته‌ایم ←

توجه ویژه

- | | |
|------------------------------------|--|
| - هر ستاره‌اش خونبهای صدهلال | - خون عالم ریختن او را حلال |
| - ای خواب گرد دیده‌ی سعدی دگر مگرد | - یا دیده جای خواب بود یا خیال دوست |
| - و آنکه آن معنی در این صورت بدید | - صورت از معنی، قریب است و بعید |
| - دوستت دارم اگر لطف کنی ورنکنی | - به دو چشم تو که چشم از توبه انعام نیست |
| - به نام خداوند لوح و قلم | - حقیقت نگار وجود و عدم |
| - حیف باشد بر چنان تن پیرهن | - ظلم باشد بر چنان صورت نقاب |
| - تو ماهی و من ماهی این برکه کاشی | - اندوه بزرگی است چه باشی، چه نباشی |

توجه: حذف انواع دیگری نیز دارد که برای شما به یک نوع دیگرش اشاره شده است:

حذف فعل به قرینه‌ی :

«کبوتران اضطرابی می‌کردند و هر یک خود را می‌کوشید»

«شیران غریزند و به اتفاق، آهو را از راهانید»

سراسری ۹۶

۱۶- حذف فعل به «قرینه معنوی» در همه ابیات وجود دارد، به جز:

نه از مدحش خبر باشد نه از دم
که پیش طایفه‌ای مرگ به که بیماری
افسوس بر اینان که به غفلت گذرانند
چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول

- ۱) گرفتار کمند ماهرو بیان
- ۲) من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن
- ۳) چشمی که جمال تو ندیدست چه دیده است
- ۴) به دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر

سراسری ۹۶

۱۷- در کدام بیت، حذف فعل به قرینه لفظی صورت گرفته است؟

دعای ستمدیدگان در پیست؟
به درگاه حق منزلت پیش‌تر
فشانند در پای و زر بر سرش
اسیران محتاج در چاه و بند؟

- ۱) کجا دست گیرد دعای ویت
- ۲) یکی را که سعی قدم پیش‌تر
- ۳) بفرمود گنجینه گوه‌رش
- ۴) دعای منت کی بود سودمند

۱۸- در کدام بیت، حذف فعل وجود ندارد؟

- (۱) گر بر وجود عاشق صادق نهند تیغ
- (۲) تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی
- (۳) گوش بر ناله بلبل کن و بلبل بگذار
- (۴) هرگز آن دل بنمیرد که تو جانش باشی

سراسری ۹۸

گوید بکش که مال سبیل است و جان فدا
 چه از این به ارمغانی که تو خویشتن بیایی
 تا نگوید سخن از سعدی شیرازی به
 نیکبخت آن که تو در هر دو جهانش باشی

۶) گروه اسمی

نقش‌های نهاد، مفعول، متمم، مسند، منادا و ها.

گاه و گاه همراه وابسته (پیشین یا پسین)

روش شناخت هسته: یافتن نقش‌های بالا غربال وابسته‌ها

«کهن شود همه کس را به روزگار ارادت مگر مرا که همان عشق اول است و زیادت»

«شنیدمت که نظر می‌نکنی به حال ضعیفان تبم گرفت و دلم خوش به انتظار عیادت»

«هزار دشمن اگر برسرنند سعدی را به دوستی که نگوید به جز حکایت دوست»

توجه ۱: ضمائر پیوسته‌ای که مفعول و متمم دارند یک گروه اسمی محسوب می‌شوند.

توجه ۲: می‌تواند در تعیین هسته نقش مهمی داشته باشد.

سراسری ۹۴

۱۹- هسته‌ی گروه اسمی روبه‌روی همه‌ی گروه‌ها درست است بجز؟

- (۱) تعیین ارزش دقیق معنایی عناصر زبان: (ارزش)
- (۲) مجموعه‌ی آثار ادبی گذشته‌این مرز و بوم: (مجموعه)
- (۳) رابطه‌ی هم‌نشینی هر واحد زبانی با واحد زبانی دیگر: (رابطه)
- (۴) کوچک‌ترین واحد زبانی با معنای مستقیم و غیرمستقیم: (واحد)

سراسری ۹۸

۲۰- کلمه‌های مشخص شده در همه عبارات، به جز عبارت «هسته»ی گروه خود محسوب می‌شوند.

- (۱) در امام‌زاده ده که اهالی «معصوم‌زاده» اش می‌نامند، برای سفیدکاری گچ به کار برده‌اند.
- (۲) مراتع اطراف ده پوشیده است از کما و گون که اولی خوراک زمستانی گاو و گوسفند آن‌هاست.
- (۳) بوته گون با همان یک جرقه می‌گیرد و تازگی‌ها از ساقه‌های همین گون کتیرا می‌گیرند.
- (۴) بهترین وسیله راه‌جویی برای چارپادارانی است که در زمستان سفر می‌کنند.

۷) ترکیب وصفی و اضافی

گاهی
 الف) وصفی: «هفت صفت پیشین + هسته» و « ← ویژگی» / « صفت شمارشی ترتیبی»
 ب) اضافی: ضمائر که بعد از جداسازی باشند و « ← ویژگی»
 گاهی دارند

از = بی‌نکته: فون من و دشمنان - رخ زیبا و لطیف
 از = نکته مهم: از صفت پیشین: چون پری را این د۳ و قانون بود
 از = نکته مهم: از صفت پسین: قول و فعل بی تناقض بایرت
 از مضاف الیه: تا شود پیدا وقار و صبرشان

«چون ولیی آشکارا با تو گفت صد هزاران غیب و اسرار نهفت»

توجه ۲: گاهی پیش از صفت بیانی به جای «ب»، به کار می‌رود.

به مقصوره در پارسایای مقیم زبانی دلاویز و قلبی سلیم (مقصوره: عبادتگاه)

توجه ۳: «صفت جانشین اسم»: گاه واژه‌ای بعد از « » می‌آید که ذاتاً صفت است ولی به جای اسم دارای آن صفت ذکر گردیده، در این حالت ترکیب فواید داشت.

چو تنگ‌اندر آمد یکی خانه دید به در دو برنای بیگانه دید

..... ←

آشنایان ره عشق گرم خون بخورند ناکسم گر به شکایت سوی بیگانه روم

..... ←

ضمناً صفتی که شود قطعاً نقش صفت فواید داشت.

آن روز پر عجایب وان محشر قیامت گشته است پیش حسنت مستغرق عجایب

..... ←

توجه ۴: گاه «شیوه بلاغی» ترکیب‌ها را بر هم می‌زند؛ هنگام بررسی، جملات را مرتب کنید تا به اشتباه نیفتید.

«فرستادشان لشگری گشن پیش
چنین گفت کآن خوار بیگانه مرد
تو که هرگز نبودی ندیم ما غریبان
آرزویی است مرا در دل
پر سخن دارم دلی لیکن چه سود
اگر صد خون بود ما را نخواهیم آن ز کس هرگز

چه بیگانه فرزندگان و چه خویش» =
که از شهر قیصر مرا دور کرد»
از این بی همدلی ها دلی دارم پریشان»
که روان سوزد و جان کاهد»
چون زبانم کارگر نی ای عجب»
اگر این را جوابی هست بی انکار، بنمایید»

توجه ۵: شاید ذات و نوع واژگان زیادی باشد ولی پذیرفتن صفت پیشین در گرو داشتن هسته
(.....) است و نشانه صفت‌های پسین پیروی نیست پس — .

گاهی ی تکره

- نگار مست شراب است و مدعی هشیار
- آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت
- با وجود نکه مست تو هشیار نمآند
- شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست
- برون شدن ز خرابات زندگی هشیار

فغان که دوست به خواب است و خصم بیدار است:
آه از آن مست که با مردم هشیار چه کرد:
پس از این ساقی خود باش که دیار نمآند:
برای خاطر بیچارگان نیاسودن
ز خود نرفتن و پیمان‌های نپیمودن:

توجه ۶: فوانش درست اشعار (با و) بسیار مؤثر و گاه از شرایط درک درست ترکیب‌ها است.

«صاحب خانه بگفتش خیر هست
آنچه ما کردیم با خود هیچ نابینا نکرد
خردمند بیگانه خواند تو را
که همی لرزد تو را چون پیر دست
در میان خانه گم کردیم صاحب خانه را
هشیوار دیوانه خواند تو را»

۲۱- در منظومه‌ی «مردم شهر به یک چینه چنان می‌نگرند/ که به یک شعله، به یک خواب لطیف/ خاک، موسیقی احساس تو را
می‌شوند و صدای پر مرغان اساطیر می‌آید در باد» به ترتیب، چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» یافت می‌شود؟
(سراسری تجربی ۹۲)

(۱) چهار - پنج (۲) سه - شش (۳) سه - پنج (۴) چهار - شش

۲۲- در متن زیر به ترتیب چند «ترکیب وصفی و اضافی» وجود دارد؟
«در مطالعه‌ی شعر نیما، دید تازه‌ی او به جهان جلوه‌گر است؛ نگاه او به همه‌ی موجودات و دیگر پدیده‌ها یادآور نگاهی است که
شاعران غرب به این پدیده‌ها دارند. دید اجتماعی نیما که در سروده‌های نمادین و انتقادی او تجلی می‌یابد، در ادب نوین فارسی
جایگاه ویژه دارد.»

(۱) یازده - هشت (۲) ده - نه (۳) یازده - نه (۴) ده - هشت

۲۳- در متن «بهار فصل خوش و معتدل بود. درخت‌ها شکوفه می‌کرد. ده از سکوت سنگین زمستانی خود بیرون می‌آمد. یک درخت به در باغچه‌ی ما بود و چیدن و خوردن شکوفه‌ی به یکی از سرگرمی‌های من بود» به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» هست؟

(۱) شش - هشت (۲) شش - هفت (۳) پنج - هفت (۴) پنج - هشت

۲۴- در متن زیر به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

«ادبیات تطبیقی، یکی از شاخه‌های مهم علوم ادبی معاصر است که ما را از تأثیرپذیری ادبیات ملت‌های مختلف جهان آگاه می‌سازد. تکامل و شکوفایی ادبیات هر ملت به دور از اندیشه‌های ادبی دیگر ملت‌ها ناممکن است.»

(۱) هفت - هفت (۲) هفت - نه (۳) هشت - هشت (۴) هشت - نه

۲۵- در عبارت «این اندوه وحشی و سیاهی پر بیم بر سراپرده‌ی سوختگان هم حکومت داشت. آن‌ها هم جز این که در آن سنگلاخ‌ها و خارها، کودکان از دست رفته را جست و جو کنند یا برای اطفال از عطش سوخته، قطره‌ی آبی بیابند، دیگر رمقی نداشتند.» به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و چند ترکیب اضافی» وجود دارد؟

(۱) هفت - دو (۲) هفت - سه (۳) هشت - دو (۴) هشت - سه

۲۶- در عبارت «از همان اوایل قرن دوم هجری، عده‌ای محدود از مردان هنرور و نگارگر به خلق آثار تمثیلی و حماسی و مضامین مربوط به شرح دلاوری و فداکاری شهدای کربلا به شکل ابتدایی آن پرداختند و به دنبال این حرکت واژه‌های شبیه‌خوانی و تعزیه و غم‌نامه‌های مذهبی در ادب فارسی راه یافت.» چند «صفت» وجود دارد؟

(۱) ۱۱ (۲) ۱۲ (۳) ۱۳ (۴) ۱۴

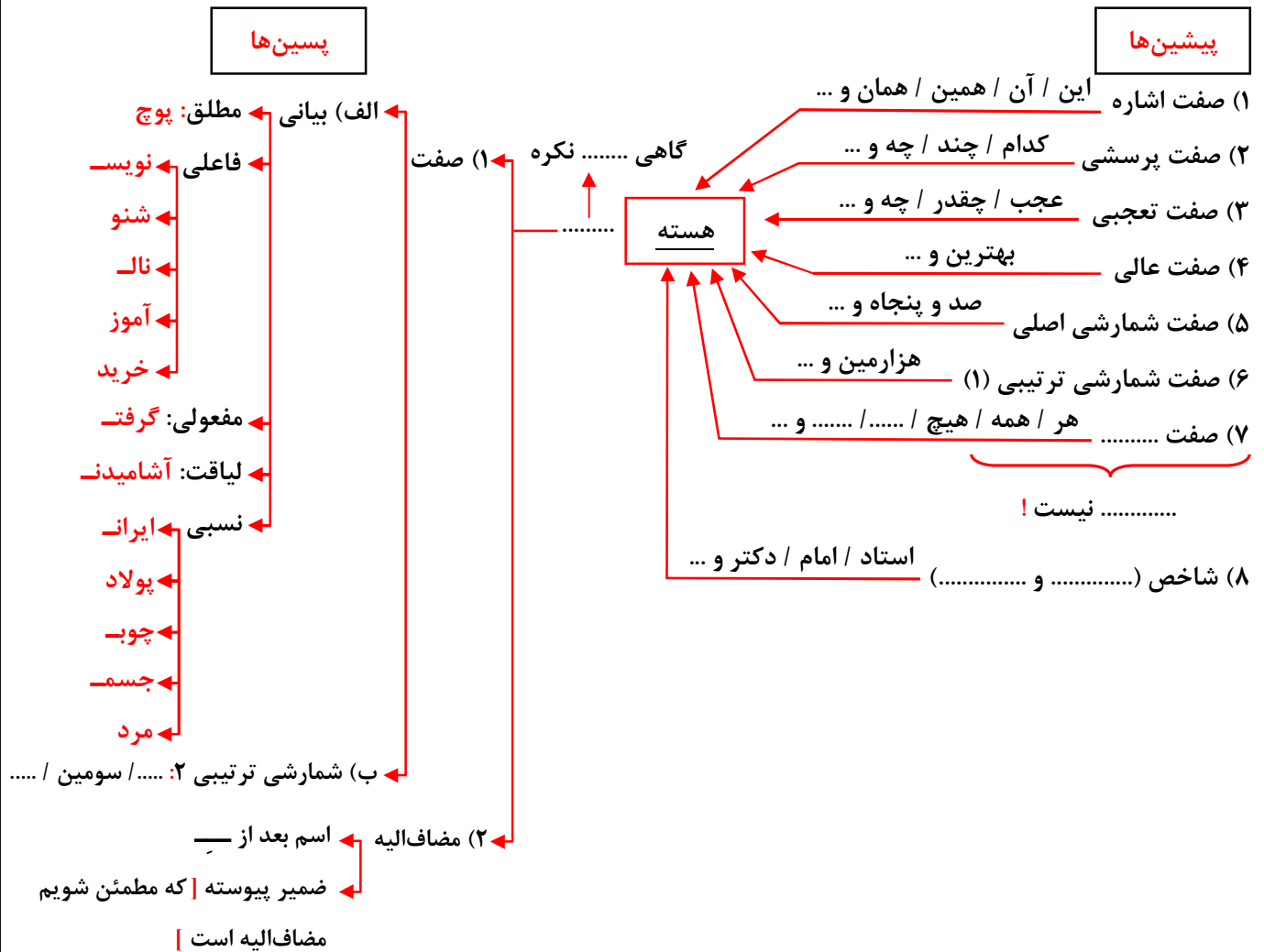
۲۷- نقش دستوری «موصوف‌ها» در بیت زیر، به ترتیب، کدام است؟

«دو چشم مست تو کز خواب صبح برخیزند
هزار فتنه به هر گوشه‌ای برانگیزند»

(۱) نهاد، مسند، متمم (۲) مسند، مفعول، نهاد (۳) نهاد، مفعول، متمم (۴) مفعول، مسند، نهاد

سراسری ۹۵

۸) وابسته‌های پیشین و پسین



توجه! شرط وابسته‌ی پیشین بودن، وجود به عنوان پس از آن‌هاست.

«مگر این دم سر آن زلف پریشان شده است
جرمی ندارم بیش از این کز دل هوادارم تو را
لذت‌های خوش قدر نداشت پیش من
که چنین مشک تتاری عبرافشان شده است»
از زعفران روی من رو می‌بگردانی چرا
گر پس از این دمی چنان یابم، قدر دانمش»

«..... و راه درک تفاوت‌هاست.»

سراسری ۹۸

۲۸- در عبارت زیر، چند وابسته پیشین و پسین، به ترتیب، وجود دارد؟

«دلم می‌خواست این نغمه آسمانی را همه بشنوند همان کلمات شورانگیز که از داناترین اسناد جهان شنیدم. کاش می‌شد یک لحظه همه را آشنا سازم.»

(۱) سه، پنج (۲) چهار، سه (۳) چهار، چهار (۴) پنج، چهار

«این باد بهار بوستان است
 «با همه مهر و با منش کین است
 «آن را روا بود که زندلاف مهر دوست
 «بدو گفت شاه آخر فریدون تویی
 «بفرمود پس تا منوچهر شاه
 «بشنود کانجا یکی مهم تر است
 «به طوس و به گودرز فرمود شاه
 «یا بوی وصال دوستان است؟»
 «چه کنم خط بخت من این است»
 «کز دل به در کند همه مهری و کینه‌ای»
 «که ویران کنی تنبل و جادویی»
 «ز پهلو به هامون گذارد سپاه»
 «پر از هول شاه ازدها پیکر است»
 «کشیدن سپه، سر نهادن به راه»

توجه ۲: صفت‌های مبهم **پند** و **دیگر**، هم می‌توانند صفت و وابسته‌ی پیشین باشند و هم

«دیدن او پخته تر سازد تو را
 «گرچه خورشید جمالش، روی مهر از من بتافت
 در جهان دیگر اندازد تو را»
 «ورچه روزی چند مهرش، سایه از من برگرفت»

توجه ۳: کاربرد صفت‌های **چه**، **چقدر** و **پندر** دوگانه است و باید به اقتضای جمله‌ی آن‌ها نوعشان را بیان کنیم.

«آتش زن و نظاره‌ی بی‌تابی ما کن
 «از نفس چند پی قافله‌ی دل گیریم؟
 «دل به خست گره و نقد نفس انباری
 «صبر تا چند کنم از رخ تو
 «گیا رُست با چند گونه درخت
 «بدو چند راه است و فرسنگ چند
 جز سوختن آخر به چه باب است دل ما» :
 سنگ عمری است که بر دوش شرر می‌گذرد» :
چقدر بی‌خبر از عالم جود آمده‌ام» :
 صبر آخر چقدر بتوان کرد» :
 به زیراندر آمد سرانشان ز بخت» :
 کدام آنک از او هست بیم و گزند» :

۲۹- تعداد وابسته‌های وابسته در همهٔ ابیات، یکسان است؛ به جز:

سراسری ۹۸

- ۱) به یادگار کسی دامن نسیم صبا
 - ۲) هر که دریابد نشاط باده تلخ فنا
 - ۳) بند همه غم‌های جهان بر دل من بود
 - ۴) دست گدا به سیب زنخدان این گروه
- گرفته‌ایم و دریغا که باد در چنگ است
 بوسه بر لب‌های خنجر چون لب میگون دهد
 در بند تو افتادم و از جمله برستم
 نادر رسد که میوهٔ اول رسیده‌اند

(ریاضی ۸۹)

۳۰- در کدام جمله وابسته‌ی پیشین اسم، «شاخص» نامیده می‌شود؟

- (۱) عموی احمد، خانه‌ی خود را به استاد دانشگاه فروخت.
- (۲) استاد ما، اسامی همه‌ی دانشجویان را می‌دانست.
- (۳) کدخدای ده، برای ادامگی توضیحات به پاسگاه رفت.
- (۴) ستوان محمدی، فرماندهی عملیات را به عهده گرفت.

(ریاضی ۹۰)

۳۱- در متن زیر چند «وابسته پسین» وجود دارد؟

«غزل رودکی مایه‌ی رشک و حسرت عنصری بود و در نظر او غزل، رودکی‌وار نیکو شمرده می‌شد. شاید آواز دلواویز و نغمه‌ی پر شور چنگ شاعر نیز در شهرت این غزل‌ها بی‌تأثیر نبود. دریغ است که از این غزل‌ها نمونه‌های بسیاری در دست نیست.»

- (۱) پانزده (۲) یازده (۳) دوازده (۴) سیزده

۳۲- در عبارت «شاعر به کمک قواعد عروض و قافیه و در چارچوب سنت‌ها و روش‌های شاعری، در فرهنگ ایرانی دو ساخت تازه را بر مجموعه‌ی ساخت‌های آوایی فارسی افزوده و از این رهگذر، اثری ادبی آفریده است که می‌توان نام سخن منظوم بر آن نهاد.» چند «وابسته» وجود دارد؟

(زبان ۹۰)

- (۱) شانزده (۲) هفده (۳) هجده (۴) نوزده

(هنر ۹۰)

۳۳- در متن زیر چند «وابسته‌ی پسین» وجود دارد؟

«به کمک بازنویسی می‌توانیم متون ادبی گذشته را به زبان معیار امروز در آوریم و عناصر کهنه‌ی آن‌ها را تغییر دهیم و به جای واژه‌های مهجور آن‌ها، تعابیر آشنا بنشانیم و از این راه، مفاهیم دقیق آن‌ها را به نسل امروز منتقل سازیم.»

- (۱) شانزده (۲) هجده (۳) هفده (۴) نوزده

سراسری ۹۸

۳۴- اگر بخواهیم نمودار «وابسته‌ی وابسته» را در مصراع‌های زیر ترسیم کنیم، کدام مورد متفاوت است؟

- (۱) باز آ و حلقه بر در رندان شوق زن (۲) شرط است احتمال جفا‌های دشمنان
(۳) معجزات پنج پیغمبر به رویش در پدید (۴) نرگس مست وی آزار دلم می‌طلبید

سراسری ۹۸

۳۵- در متن زیر چند «ترکیب وصفی و چند وابسته پیشین» به ترتیب، به کار رفته است؟

«این معلّم شریف باسواد، سفارش کرده بود که اگر سر قبر ویکتور هوگو رفتیم، از جانب او فاتحه‌ای برای این نویسنده بزرگ بخوانیم. این نامه مرا به فکر انداخت. متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.»

- (۱) شش، پنج (۲) هفت، چهار (۳) هفت، پنج (۴) هشت، پنج

۹) وابسته‌های وابسته

الف) ممیز: وابسته‌ای برای «صفت» و گاهی «.....» با هدف بیان تعداد، فاصله اندازه یا وزن.

صد تنهایی

← جایگاه مشخص: بین هسته و صفت

- «بیا که از نفست صد بهار گل بدمد
بیا که سبزه بروید دوباره بر لب جو»
- «با او هزار خوشه پرستو هست،
هر چند از بهار نمی‌گویی»
- «در خاره کنده اند حریفان به حکم عشق
جویی که چند فرسخ از آن شیر آمدست»
- «در دل هر قطره خون، بحری است ژرف
کار عشق است این و کاری بس شگرف»
- «لب خشک ز شوق قطره‌ای شیر
جان می‌دهم ای دریغ جانم»

👉 **توجه ۱:** الزاماً نباید واحدهای مشهوری چون تن، فرسخ، تفته و ... باشد.

👉 **توجه ۲:** گاه صفت شمارشی یک، جای خود را به «ی نکره» می‌دهد و این اتفاق تغییری در «ممیز» ایجاد نمی‌نماید.

ب) **صفت صفت:** ویژگی که بعد از یک صفت بیانی می‌آید تا نوع آن صفت را بیان کند (معمولاً)

بیکان قرمز

← جایگاه مشخص: بعد از هسته و صفت

«شعر من رنگ چشاته، رنگ پاک بی‌ریایی
بهترین رنگی که دیدم، رنگ زرد کهربایی»

- کلاس ششم } ابتدایی
دییرستان

- زبان فارسی } دری
معیار
امروزی

👉 **توجه:** گاه بعد از یک هسته برای آن چند صفت می‌آید که ربطی به یکدیگر ندارد.

«لفظی فصیح شیرین قدی بلند چابک
روی لطیف زیبا چشمی خوش کشیده»

ب) **قید صفت:** واژه‌ای است که به قصد تأکید یا توضیح بین هسته و قرار می‌گیرد.

رانندگی خوب

← جایگاه مشخص

«بدو گفت خوی بد شهریار درختی است خنگی همیشه به بار» (خنگی = تباهی و بدذاتی)

«کجا کارشان همگنان پیشه بود روانشان همیشه پر اندیشه بود»

(ت) **مضاف الیه مضاف الیه:** اسم یک «گروه اسمی» (می تواند بیش از یکی باشد) به شرط ارتباط با اسم پیش از خود.

← جایگاه مشخص: بعد از در گروه

- «پر می کشی و وای به حال پرنده ای کز پشت میله ی قفسی عاشقت شده است»

- «آن موج موج دامن دریایی ات نبود در رقص عاشقانه ی بندر رها شده»

- «تنها همین، همین که بگویم نیافتم از چشم های روشن تو دل فریب تر»

- «آن سوی جاده های مه آلود غروب با ابر بسته شد چمدان درخت ها»

👉 **توجه ۱:** از با نقش مضاف الیه غافل نشویم.

👉 **توجه ۲:** عامل فاصله افکنی بین اسم ها هستند با شمارش درست به اشتباه نیفتیم.

👉 **توجه ۳:** در مواردی مفرد اسم ها کلم و پیدا می کنند و اگر آن ها را هسته اسمی بشماریم بی معنی فوهند بود.

- «کتاب ادبیات من» ادبیات من بی معنی است.

«شرح لب لعلت به زبان می توان داد وز میم دهان تو نشان می توان داد»

لعل تو بی معنی است

(ث) **صفت مضاف الیه:** صفتی است که و دومین گروه (و شاید به بالا) برایش به کار می رود.

← جایگاه مشخص

- «نوشتم پشت هر گلبرگ سرخی شرح حالت را کشیدم روی هر آینه ای طرح جمالت را»

- «بغض هزار پنجره را اشک می شوم در تار و پود نغمه تازی که می رسد»

«با دست‌های کوچک خود می‌گذاشتم بر روی زخم‌های بزرگ تو مرهمی»

توجه ۱: صفت‌های اسم ۱ را به اشتباه صفت اسم ۲ به حساب نیاوریم.

توجه ۲: صفت‌های مضاف‌الیه پیشین بین « _ » و مضاف‌الیه (اسم ۲ به بالا) ایبار می‌کنند و می‌توانند مانعی در راه تشفیص ترکیب و نقش مضاف‌الیه بشوند.

توجه ۳: هرگز یک صفت نمی‌تواند، اسمی باشد ⇐ هسته‌ی واژه، اولین اسم پیش از آن است (حتی اگر صفت‌های زیادی بین آن‌ها فاصله انراخته باشد)

«این غزل نیز دل تنگ مرا باز نکرد روح من تشنه‌ی یک زمزمه‌ی نیمایی است»

«ای چشم‌هایت آفتاب صبح فروردین وی دست‌هایت رحمت ابر زمستانی»

«او هم درست مثل غم تو همیشه هست حتی اثر نکرده مرور زمان به ماه»

«همان سخنرانی جذاب دو رهبر محبوب حزب قدیمی کشورمان»

← روش علامت‌گذاری گروه‌ها:

وابسته و وابسته
وابسته
هسته
} در گروه‌های شلوغ، ابتدا ها، سپس از به سوی

سراسری ۹۵

۳۶- وابسته و وابسته در کدام مصراع، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» نیست؟

(۲) اسرار دل سوخته پیدا نتوان کرد
(۴) بی می، طلب آب رخ از ما نتوان کرد

(۱) باید که نشان در میخانه بپرسی
(۳) پیش تو حدیث شب یلدا نتوان کرد

۳۷- وابسته‌های وابسته در کدام گزینه «تماماً» صفت است؟

سراسری ۹۵

(۲) قصه شیرین زندگی، رخسار آتشین گل
(۴) فریاد عاشقان سوخته‌دل، برگ‌های زرد پاییز

(۱) زلف مشکین دوست، پرواز دو کیوتر
(۳) اوج آسمان آبی، دیدن آخرین ماهتاب

۳۸- در میان گروه‌های اسمی «دو سیر زعفران، لباس خواهر بزرگ‌تر، بهترین دانش آموز کلاس، نخستین روز مدرسه، یک فروند هواپیمای جنگی، لباس نسبتاً نفیس، برجسته‌ترین شرکت‌کننده‌ی المپیاد ادبی، کتاب جغرافیای منطقه، آن داور بین‌المللی، چندمین روز پیاپی، زنگ در ساختمان، رنگ قرمز تند» چند گروه «وابسته‌ی وابسته» دارد؟ (هنر ۹۱)

۹ (۴)

۸ (۳)

۷ (۲)

۶ (۱)

۳۹- در کدام گزینه، همه‌ی گروه واژه‌ها، دارای «وابسته‌ی وابسته» هستند؟

تجربی ۹۷

(۲) دو فرسخ راه نپیموده، غنچه‌های بی‌خار باغچه
(۴) معتبرترین فروشگاه زنجیره‌ای، نوجوان نسبتاً کوتاه قد

(۱) ظرافت طبع سخنور، ماجرای کاملاً اتفاقی
(۳) گوشه‌های لب پیرمرد، رفیق جهان‌دیده‌ی من

۴۰- تعداد «وابسته‌های وابسته» در متن زیر چند مورد است؟ (تجربی ۹۱)

«در قصاید بهار، آهنگ کلام قدما، طنین‌انداز است، شیرینی بیان فرخی و شادابی اندیشه‌ی بخردانه‌ی رودکی را در اشعار او به خوبی می‌توان دید. در توصیف خمیریات او روح کلام منوچهری موج می‌زند. اگر بخواهیم تنها دو مروارید گران‌بها از دریای معانی شعر بهار صید کنیم، آن دو، چیزی جز آزادی و وطن نخواهد بود. احاطه‌ی او بر فرهنگ ایران باستان، عشق وی را به ایران کهن بیش‌تر کرده است.»

۵۰ (۴)

۴۰ (۳)

۳۰ (۲)

۲۰ (۱)

۴۱- نمودار کدام ترکیب، درست رسم شده است؟

سراسری ۹۸

(۲) حسرت آن لعل روانبخش
آن زیارتگه رندان جهان

(۱) حلقه زلف سیاهش
غلام همت آن رند

سراسری ۹۸

۴۲- اگر بخواهیم نمودار «وابسته‌ی وابسته» را در مصراع‌های زیر ترسیم کنیم، کدام مورد متفاوت است؟

(۲) شرط است احتمال جفاهای دشمنان
(۴) نرگس مست وی آزار دلم می‌طلبد

(۱) باز آ و حلقه بر در رندان شوق زن
(۳) معجزات پنج پیغمبر به رویش در پدید

سراسری ۹۸

۴۳- نمودار کدام گروه واژه، غلط است؟

(۲) بهترین معمار خوش ذوق عمارت عالی‌قاپو
(۴) دوستان نسبتاً مجرب گروه آموزشی

(۱) امتحانات بسیار فشرده رشته زبان
(۳) سه طاقه پارچه ابریشم بافت ایران

۴۴- نوع وابسته وابسته در همه ابیات یکسان است؛ به جز:

- ۱) دیوانه قلمرو صحرای وحشتیم
- ۲) ای برق اگر به گوشه آن بام بگذری
- ۳) چون قضا سلسله زلف تو عالم گیر است
- ۴) ناز است سد راه و گرنه در اشتیاق

سراسری ۹۸

ما را سواد شهر بود آینه عذاب
آنجا که باد زهره ندارد خبر بری
گردنی نیست که در حلقه زَنار تو نیست
فرقی میانه دل ما و دل تو نیست

۴۵- در همه ابیات، مضاف الیه مضاف الیه، وجود دارد، به جز:

- ۱) خواهی که سرفراز شوی همچو زلف یار
- ۲) هر کس که دید قامت آن سرو سیم تن
- ۳) شد مدتی که دیده اختر شمار من
- ۴) مرید جذبه بی اختیار منصورم

سراسری ۹۸

در پای یار سرکش خورشید چهره آفت
ای بس که خاک پای صنوبر به دیده رفت
یک شب ز عشق نرگس پر خواب او نخفت
که سیر عشق تو را در میان میدان گفت

۱۰) جملات ساده و مرکب (غیر ساده)

← جمله ساده: جمله‌ای با تنها یک و معنایی و

«مرا و عشق تو گیتی به یک شکم زادست دو روح در بدنی چون دو مغز در یک پوست»

← جمله مرکب: حداقل جمله دارد که یکی از نظر معنایی است (جمله یا). و دیگری (جمله یا)

- «اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را»

- «گنج خواهی، در طلب رنجی ببر خرمنی می بایست، تخمی بکار»

← انواعی حرف پیوند (ربط)

الف) همپایه‌ساز: بین جملات با ویژگی (..... یا). یکسان قرار می‌گیرند.

← مشهورترین: «و» (با) و (اشتباه نشود)

+ اما، ولی، یا، و

ب) وابسته‌ساز: قبل از جملات (.....) می‌آید و بهترین نشانه یافتن جملات یا هستند.

← پرکاربردترین: «که» (با) و (اشتباه شود) - گاه در شکل قدیمی: کز = که از / کاین = که این

..... = مقصد زمان و مکان	} «تا» = ادات تشبیه	} «چو، چون»
..... = وابسته‌ساز	 = وابسته‌ساز	

«اگر»: گاه در شکل قدیمی:،

- «آفرین بر زبان شیرینت کاین همه شور در جهان انداخت»

- «گر نوازی ور کشی فرمان تو راست»

- «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو»

👉 توبه: گاه «بملهی وابسته» بدون حرف می‌آید و ما باید با توبه به معنا وابستگی آن را تشخیص دهیم.

- «نه حسنت آخری دارد نه سعدی را سخن پایان

- «آب حیات من است خاک سر کوی دوست

- «چون جان سپردنی است به هر صورتی که هست

- «دانی حیات کشته‌ی شمشیر عشق چیست؟

- «ناچار هر که دل به غم روی دوست داد

- «سعدی چراغ می‌نکند در شب فراق

بمیرد تشنه مستقی و دریا همچنان باقی

گر دو جهان خرمی است، ما و غم روی دوست

در کوی عشق خوش‌تر و برآستان دوست

سویی گزیدن از رخ چون بوستان دوست

کارش به هم برآمده باشد چو موی دوست

ترسد که دیده باز کند جز به روی دوست

- «سرم از خدای خواهد که به پایش اندر افتد که در آب مرده بهتر که در آرزوی آبی»
- «تا نفخ صور باز نیاید به خویشتن هر که اوفتاد مست محبت ز جام دوست»
- «این مطرب از کجاست که برگفت نام دوست تا جان و جامه بذل کنم بر پیام دوست»
- «من مست می عشقم هشیار نخواهم شد از خواب خوش مستی بیدار نخواهم شد»

۴۶- همه‌ی ابیات به استثنای بیت..... فاقد جمله‌ی وابسته‌اند.

سراسری ۹۸

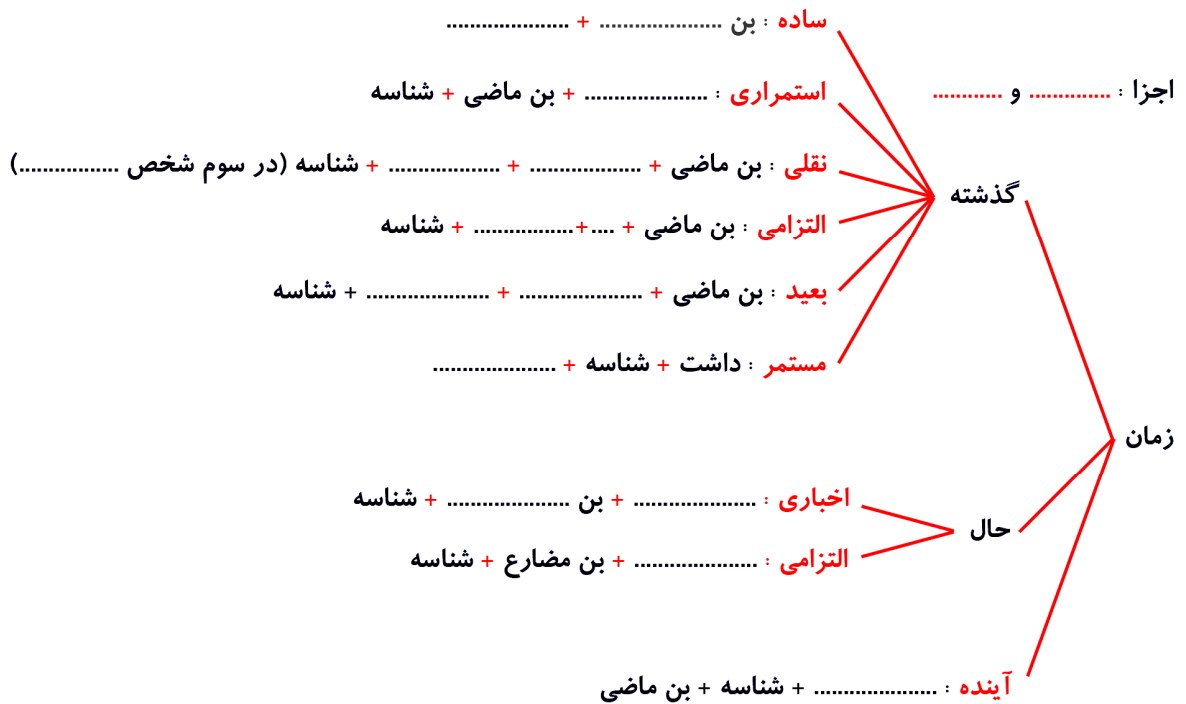
چمن ز عشق رخ یار لاله افشان شد
 وه که با خرمن مجنون دل افگار چه کرد
 چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
 حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

۱) بهار آمد و گلزار نور باران شد
 ۲) برقی از منزل لیلی بدرخشید، سحر
 ۳) ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
 ۴) زین پیش دلورا کسی چون تو شگفت

(۱۱) فعل

الف) از نظر اجزا: بن + شناسه } گاه عیان
گاه }

ب) از نظر زمان:



توجه: در همه موارد بالا می‌بینیم که قبل از فعل‌های کمکی، فعل اصلی با سافتار (..... + ه) به کار رفته است.

توجه: ملاک شفافیت درست فعل آن است (مخصوصاً در و متون کهن)

پس گاه نیاز است ظاهر فعل را کنار بگذاریم و آن را به درستی کنیم:

چه داریم از جمال خویش مهجور رها کن تا تو را می‌بینم از دور } ظاهر: x
معنی: ✓

خنده‌ی شیرین تو گر نیستی کس به چه داند که تو داری دهان } ظاهر: x
معنی: ✓

ظاهر:
 ↑
 دل ربود از من نگارم، جان ربودی کاشکی»
 ↓
 معنی:

ظاهر:
 ↑
 «هر زمان گویم ز درد عشق و تیمار فراق»
 ↓
 معنی:

ج) از نظر معلوم و مجهول:

فعلی که نسبت به آن جاهلیم، فعل مجهول است.

«ولیکن سرانجام کشته شود نکونامش اندر نوشته شود»

← ساختار فعل مجهول: $\left. \begin{array}{l} \text{بن ماضی + ه + شدن} \\ \text{قدیم} \\ \text{آمد} \\ \text{گشت} \end{array} \right\}$

- آن‌ها غذا را خورده باشند: غذا

- شاید ما آن فیلم را ببینیم: آن فیلم

د) از نظر «اصلی یا کمکی» بودن:

← افعال کمکی به فعل‌هایی می‌گوییم که کاربرد اصلی خود را کنار می‌گذارند و به فعل دیگر در جهت هدفی معین کمک می‌کنند:

- برای ساخت «ماضی نقلی سوم شخص مفرد»:

- برای ساخت «ماضی التزامی»:

- داشت و دار در مستمر و خواه در آینده نیز کمکی هستند)

ه) از نظر ساده مرکب:

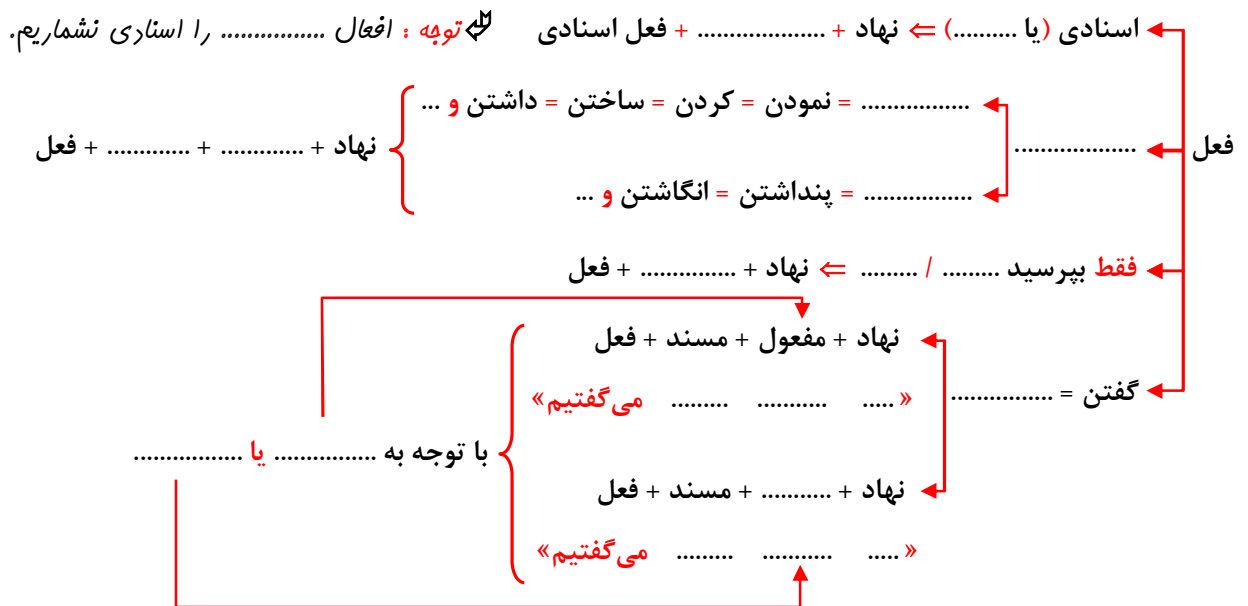
نام برد هدیه داد صدا کرد رواج داشت

بار برد انجام داد آگاه کرد امتداد یافت

تلاش کرد

← اگر با و و (صفت، ی نکره و ...) بتوانیم فاصله‌ای ایجاد کنیم فعلی خواهیم داشت؛ در غیر این صورت فعل خواهد بود.

۱۲) اجزای اصلی جمله



- «انصاف نبود آن رخ دلبنده نهان کرد زیرا که نه رویی است کز او صبر توان کرد»
.....
- «هرچه آن قبیح تر بکند یار دوست روی داند که چشم دوست نبیند قباحتش»
.....
- «باش تا دیوانه گویندم همه فرزندگان ترک جان نتوان گرفتن تا تو گویی عاقل است»
.....
- «عمر گویندم که ضایع می کنی با خوبرویان وان که منظوری ندارد عمر ضایع می گذارد»
.....
- «با این همه هر آن که نه خواری کشید از او هر جا که رفت هیچ کش محترم نداشت»
.....

توجه: بر فی افعال با توجه به الگوهای متفاوتی ارائه می دهند پس جملات را کامل بفوانید.

- «عارفان درویش صاحب درد را پادشا خوانند گر نانینش نیست»
.....
- «چو بیدار شد موبدان را بخواند ازین در سخن چندگونه براند»
.....

توبه: هست و است و بود = و داشتن / شد = / گشت و گزید ≠
 استاری

- «این دراز و کوتاهی مر جسم راست چه دراز و کوتاه آن جا که خداست؟!»
 - «حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آید شادیات مبارک باد ای عاشق شیدایی»
 - «عقل بین کز بر سیلاب غم عشق گریخت عالمی گشت و به گرداب خطر باز آمد»

۴۷- جمله‌ی «قدرت‌نمایی نادرشاه افشار برای دفع شورش افغان‌ها و بیرون راندن عثمانی‌ها از خاک ایران و تسخیر هند به ضرب شمشیر هم سرانجام به استقرار امنیت و عدالت منجر نشد» از نظر اجزای اصلی با کدام جمله یکسان نیست؟ (تجربی ۸۸)

(۱) پس از سقوط صفویان به دست محمود افغان، قلمرو متصرفات این سلسله تجزیه گردید.
 (۲) در نویسندگی فارسی به همت و ذوق قائم مقام فراهانی زمینه، بیش از پیش برای ساده‌نویسی فراهم شد.
 (۳) جامی متون ادب و دانش‌های شرعی و دینی را در زادگاه خویش، شهر تربت جام، از استادانش فرا گرفت.
 (۴) بدون شک نثر روان و داستانی کتاب حاجی بابا در توفیق و شهرت آن در میان خوانندگان فارسی زبان مؤثر بوده است.

۴۸- اجزای اصلی جمله‌ی زیر کدام است؟ (ریاضی ۸۸)

«بی‌سوادی، عادت نداشتن به خواندن و سود بردن از افکار و اندیشه‌های اندیشمندان و متفکران، نداشتن نویسنده و ناشر و بسیاری از ناآگاهی‌ها، عوامل اصلی فقر و قحطی کتاب در بیش‌تر سرزمین‌های جهان به شمار می‌رود»

(۱) متمم
 (۲) مسند
 (۳) متمم و مسند
 (۴) مفعول و مسند

۴۹- عبارت «حیرت در امر جهان و ندانستن راز او، چون و چرا در کار خلقت، ناپایداری و بی‌سروپا بودن جهان و... مضامین اصلی اشعار خیّامی خوانده می‌شود» نیازمند چه نقش یا نقش‌هایی است؟ (خارج از کشور ۸۹)

(۱) متمم
 (۲) مسند
 (۳) متمم و مسند
 (۴) مفعول و مسند

۵۰- تعداد اجزای تمام جمله‌ها، به استثنای جمله‌ی با یک دیگر یکسان است؟ (سراسری ریاضی ۹۲)

(۱) شیخ نیشابور در میان همه‌ی عارفان سرشناس، تنها، آن کودک نورسیده را دید.
 (۲) شیخ، کودک نورسیده‌ی بهاء‌ولد را انسانی برتر از انسان‌های عادی یافت.
 (۳) در دیدار میان آن‌دو، مولانا، عطار را با پدر خویش تقریباً هم‌سان یافت.
 (۴) شیخ نیشابور عمق فکر و قدرت بیان مولانا را شایسته‌ی تحسین دید.

۵۱- جمله‌ی دوم عبارت زیر چه جزء یا اجزایی نیاز دارد؟ (سراسری ۹۴)

«باید گفت: جهان‌بینی مولانا، شعر او را از لحاظ گستردگی حوزه‌ی عاطفی و هیجان‌های روحی ممتاز ساخته است و در زبان شعر او منعکس شده و به آن تحرک و شوری بی‌نظیر ارزانی داشته است.»

(۱) مسند
 (۲) مفعول
 (۳) متمم و مفعول
 (۴) مسند و مفعول

۵۲- اجزای تشکیل‌دهنده‌ی همه‌ی عبارات یکسان است؛ به جز: (سراسری ۹۸)

(۱) مثل بنفشه خود را پنهان می‌کنید.
 (۲) ذوق الهام را در دل هزارستان خود می‌کشند.
 (۳) به نرمی بوی گل، هزار صحبت شیرین برایش دارم.
 (۴) گل ما چون خوبان تمام، آرام و بی‌اعتنا با نسیم بازی می‌کرد.

۵۳- در عبارات زیر انواع جمله یافت می شود بجز:

سراسری ۹۴

«مثنوی با داستان «نی» آغاز می شود. «نی» در واقع روح حیران اوست که از اصل خود جدا مانده و آرزوی بازگشت بدان اصل دارد. اما چگونه می توان به این اصل پیوست؟ تنها راه رسیدن به این اصل عشق است؛ عشقی که انسان را از خود تهی کند و مانند «نی» جز ناله‌ای بر لب نداشته باشد.»

- (۱) مسند
(۲) مفعول
(۳) مفعول و مسند
(۴) مفعول و متمم

۵۴- اجزای تشکیل دهنده‌ی کدام عبارت، در مقابل آن، نادرست است؟

(هنر ۹۱)

- (۱) او در عصر ما در کسوت یک مهاتماکاندی مسلمان، منادی یک حیات تازه برای تمام عالم می‌شد. (مسند)
(۲) این فقر اختیاری را بر مکنت و تجمل رایج در دستگاه صدرالدین، شیخ‌الاسلام شهر ترجیح می‌داد. (مفعول و مسند)
(۳) درگیری دایم در تنازع برای بقا را، در سلوک راه کمال، انحراف از خط سیر روحانی و امری خلاف شأن انسانی تلقی می‌کرد. (مفعول و مسند)
(۴) در دنیای ما، پر خوری و تجمل‌گرایی کم‌ترین‌ه‌ی مردم برای بیش‌ترین‌ه‌ی آن‌ها جز گرسنگی و بینوایی راه دیگر باقی نمی‌گذارد. (مفعول)

۵۵- عبارت زیر از جهت اجزای اصلی آن با کدام عبارت هماهنگ است؟

(هنر ۸۸)

«خداوند با ذکر قصه‌ی پیامبران و حفظ نام نیکوکاران، خود را دوست‌دار محسنین و تحقیرکننده‌ی منافقین می‌داند»

- (۱) این مایه شفقت و مهربانی و خاکساری، دوستان و دشمنان او را در حقّ وی به اعجاب و تسلیم وامی‌داشت.
(۲) بنابر تحقیقات روشن، ترجمه در سنت فرهنگی گذشته و حال ما همیشه به عنوان یک رکن اساسی نقش مهمّی داشته است.
(۳) آثاری با ماهیت داستانی و تخیلی، چون قصّه‌ها، داستان‌های کوتاه، رمان و انواع وابسته به آن را ادبیات داستانی می‌گویند.
(۴) ادبیات داستانی، ما را در باز شناخت ادب و فرهنگ ایرانی و تأثیرپذیری آن از فرهنگ اروپایی در سده‌ی اخیر یاری خواهد کرد.

۵۶- در کدام مصراع «نهاد + مفعول + مسند + فعل» یافت می‌شود؟

سراسری ۹۸

- (۱) بساز با من رنجور ناتوان ای یار
(۲) به ناز گر بخرامی جهان خراب کنی
(۳) به کام دل نرسیدیم و جان به حلق رسید
(۴) آب حیات من است خاک سر کوی دوست

۵۷- الگوی (نهاد + مفعول + مسند + فعل) در کدام بیت، یافت می‌شود؟

سراسری ۹۸

- (۱) بدین دو دیده‌ی حیران من هزار افسوس
(۲) دامن دوست بدست آر و ز دشمن بگسل
(۳) دیدن روی تو را دیده‌ی جان‌بین باید
(۴) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک
که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم
مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان
وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین من است
بر زبان بود مرا آنچه تو را در دل بود

۵۸- در همه‌ی مصراع‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؛ به جز:

سراسری ۹۸

- (۱) درون فروماندگان شاد کن
(۲) خداوند زر بر کند چشم دیو
(۳) کرم خوانده‌ام سیرت سروران
(۴) مژگان تو دل را هدف تیر ستم ساخت

انواع (۱۳)

الف) «و»

عطف: بین گروه‌های اسمی

گناه دارای

رابط یا پیوند: بین

گناه دارای

بین: شست و شو، زد و بند و ...

میانوند

بین (غیر قابل): جمع و جور و ...

- «گر دوست بنده را بکشد یا پیرورد تسلیم از آن بنده و فرمان از آن دوست»

.....

- «بت شهوت برآوردی دمار از ما زتاب خود اگر از تابش عشقش نبودی تاب و تب ما را»

.....

- «زهی این کیمیای حق که هست از مهر جان او که عین ذوق و راحت شد همه رنج و تعب ما را»

.....

- «بفرمود گنجینه گـوهـرش فشانند در پای و زر بر سرش»

.....

- «این همه چابکی و زیبایی این چنین از کجا همی آیی؟»

.....

- «بیامد چنان تالاب هیرمند همه دل پر از باد و لب پر ز پند»

.....

ب) «ی»

نکره = در واژگان مفرد، در واژگان جمع

مصدری = و (..... را به تبدیل می‌کند)

صفت نسبی = به و به (..... را به تبدیل می‌کند)

لیاقت = (همیشه به متصل می‌شود)

شناسه فعل = (گاه به نمایندگی از به اسم یا صفتی می‌پیوندد)

که برکناری و او در میان دریایی است»



.....

بعد از آن نامت به رسوایی برآید ننگ نیست»



.....

به ماده از بنان تو، شراب ارغوانی را»



.....

چشم‌ها کور و دیدنی بسیار»



.....

- «تو را ملامت سعدی حلال کی باشد

- «گر تو را کامی برآید دیر زود از وصل یار



.....

- «الاساقی به جان تو، به اقبال جوان تو

- «خلق را زیر گنبد دوار

«ان» (ج) ←

جمع: دوستان

شبهات: شاهان - ماهان - کوهان

مکان: سپاهان - توران

زمان: بامدادان

صفت فاعلی (.....): دوان

نسبت: بابکان، هخامنشیان

لب خنده زنان چو غنچه در پوست

.....

پیغام وصل جانان پیوندد روح دارد

.....

در سحرگاهان حذر کن چون بنالد این غریب

.....

ز گیلان وز دیلمان لشکری

.....

زمین کرده از سم اسپان بنفش

سرمست در آمد از درم دوست

ای بسوی آشنایی دانستم از کجایی

گفتم ای شام غریبان طره شبرنگ تو

سپاهی بیامد ز هر کشوری

اباگرز و باکاویدانی درفش

.....

۱۴ حاشیه‌ها

مشابه‌های
الف) واژگان هم آوا }
 واژگان دو یا چند

همچو چنگ از بهر سرو تو خمیدستی دلا
 نفس بهیمی در چرا چندین چرا باشد چرا؟
 عود ماییم به هر سور که مجمر گیرند»

همی کاست زو فرّ گیتی فروز
 وز قفس بیرون به هر دم گردنم این الفرار
 بدانست کوا هم نماند به زیر»

- «از قوام قامتش در قامت تو کژ بماند
 - «جان غریب اندر جهان مشتاق شهر لامکان
 - «آب ماییم به هر جا که بگردد چرخ

ب) دو حرف برای یک متمم:

- «به جمشید بر تیره‌گون گشت روز
 - «در درون این قفس تن در سر سودا گداخت
 - «زدش بر زمین بر به کردار شیر

ج) سیر تاریخی معنای واژگان ← حذف: آزنداک - سو فار و ...

← بی تغییر: کوه - آرزو و ...

← هم قدیم هم جدید: سپر، یخچال، زین، رکاب و ...

← قدیم جدید: اندیشه / دستور / کثیف / سوگند و ...

سراسری ۹۸

۵۹- در همه ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم آوا» دارد؛ به جز:

بسه کـوثر داد آب ز نـدگانی
 نبنـدی از غـرور او را بسـه فـتـراک
 ز خـاکش برده عـطـر طـره حـور
 تو گفـتی کـوه کن گـریـد بسـه کـهـسار

۱) بسه لب چون برد راح ارغوانی
 ۲) تو صیدی افکنی بر خاک چالاک
 ۳) در او رضوان به منت گشته مزدور
 ۴) نگون از کوه سیل از ابر آذار

سراسری ۹۸

۶۰- در همه ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم آوا» دارد؛ به جز:

که شاه از مستمندان یاد کرده است
 نه جرم تشنه و نه جرم آب است
 گلستانی به تاراج چمن شد
 به کام دشمنان ناکام بودن

۱) کدامین طالع این امداد کرده است
 ۲) اگر در هم شوی بس ناصواب است
 ۳) تفرج را سوی سرو و سمن شد
 ۴) اسیر محنت ایام بودن

سراسری ۹۸

۶۱- «ان» در کدام مصراع‌ها به ترتیب: نشانهٔ جمع، صفت فاعلی، نشانهٔ نسبت است؟

- الف) کجا افتاد آن مجنون در این دوران نمی‌دانم
ب) چه می‌خواهد از این مسکین سرگردان نمی‌دانم
ج) بجز تو در همه گیتی دگر جانان نمی‌دانم
د) در این حدیقه هنوز از سیاهکارانم
- (۱) الف، ب، د (۲) الف، د، ج (۳) د، الف، ب (۴) د، ب، ج

سراسری ۹۸

۶۲- مفهوم «ان» در کدام واژه‌ها به ترتیب: «نشانهٔ جمع، صفت فاعلی، نسبت، پسوند زمان» است؟

- (۱) روندگان، سخن‌سرایان، گیلان، خزان
(۲) مردان، کیان، سپندان، سپیده‌دهان
(۳) سخنگویان، گرگان، کوهان، بامدادان
(۴) نیاکان، خرامان، بابکان، نوبهاران

۱۵) تست ترکیبی

سراسری ۹۸

۶۳- با توجه به متن زیر، کدام گزینه غلط است؟

«نوجوانی میان بالا با بر و بازویی خوش تراش و رعنا، سوار بر اسبی سینه فراخ پیشاپیش سپاه خود، دروازه‌های غربی تهران را با هیجان و شور بسیار به قصد تبریز پشت سر می گذاشت.»

(۱) در متن سه نقش تبعی (معطوف) آمده است.
 (۲) اجزای تشکیل دهنده عبارت «نهاد + مفعول + فعل» است.
 (۳) در کل متن، حذف فعل به قرینه معنوی دو بار یافت می شود.
 (۴) نقش «سوار بر اسبی سینه فراخ» و «پیشاپیش سپاه خود» هر دو قیدی است.

سراسری ۹۸

۶۴- با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

«گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان
 الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.
 ب) هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس»
 ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می شود.
 د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می خورد.
 (۱) الف، ب (۲) الف، ج (۳) ب، د (۴) ج، د

سراسری ۹۸

۶۵- با توجه به بیت «دلدار که گفتا به توام دل نگران است / گو می رسم اینک به سلامت نگران باش» کدام مورد کاملاً درست است؟

(۱) بیت فاقد مفعول است.
 (۲) در بیت، چهار نهاد وجود دارد.
 (۳) دو جمله اسنادی در بیت وجود دارد.
 (۴) دو واژه مرکب در بیت وجود دارد.

سراسری ۹۸

۶۶- در کدام ابیات به ترتیب «معطوف، حذف فعل، ممیز، بدل» آمده است؟

الف) یاد باد آنکه چو یاقوت قدح خنده زدی
 ب) شد آنکه اهل نظر بر کناره می رفتند
 ج) برو معالجه خود کن ای نصیحت گو
 د) دفتر دانش ما جمله بشوید به می
 در میان من و لعل تو حکایتها بود
 هزار گونه سخن در میان و لب خاموش
 شراب و شاهد شیرین که را زیانی داد؟
 که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود
 (۱) الف، ج، ب، د (۲) الف، د، ج، ب (۳) ج، الف، ب، د (۴) د، الف، ب، ج